

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۷، ۴۵-۵۷

تحلیل انتقادی کتاب التطور النحوی للغة العربیة

اسحق رحمانی*

اسماعیل اشرف**

چکیده

نقد مؤثر، سازنده، و مثبت نقش بسیار مهمی در پیشرفت علم و دانش دارد که باعث شکوفایی ثروت کلان هر کشوری، که همان تکنولوژی آن است، می‌شود. از آنجایی که پیدایش، دگرگونی، و تکامل نحو عربی از جمله مسائلی است که توجه خاصی را می‌طلبد، بنابراین، پژوهش در این زمینه بسیار ارزشمند به نظر می‌رسد. رمضان عبدالنواب با ترجمه کتاب التطور النحوی للغة العربیة از برجستر اسر، در ۱۹۹۴ م راهی هموار در توسعه نحو زبان عربی قرار داد. نویسنده این کتاب نحو عربی را از منظر تاریخی و زبان‌شناسی بررسی کرده است و از دیگر زبان‌های سامی از جمله عبری، اکدی، حبشی، و آرامی نیز سخن به میان آورده است. با تحلیل کمی و کیفی محتوای این کتاب می‌توان دریافت که این کتاب دو هدف اساسی را دنبال می‌کند: ۱. بررسی نحو زبان عربی از منظر تاریخی: یعنی از منظر شکل‌گیری و پیدایش، تکوین، حروف اصلی، انواع جمله، بناء، و تغییرات ایجادشده در آن در طول زمان، ۲. بررسی تشکیلاتی و ساختاری زبان که در حوزه زبان‌شناسی واقع می‌شود. می‌توان این کتاب را در عنوان درسی «تحقیق در مسائل صرفی و نحوی» در دوره دکتری زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های ایران پیش‌نهاد کرد.

کلیدواژه‌ها: برجستر اسر، رمضان عبدالنواب، التطور النحوی.

* دانشیار آموزش زبان عربی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، esrahmani@yahoo.com

** دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، Ashraf.esmail1987@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۷

۱. مقدمه

تفکر انتقادی تفکری است مستدل و منطقی در راستای بررسی و تحلیل عقاید، تفکرات، نظرات و دیدگاه‌های دیگران، و تصمیم‌گیری درباره آن‌ها بر پایه اسناد و مدارک علمی و منطقی که این کار بر روند توسعه علمی جامعه جهانی سرعت می‌بخشد (هاشمیان‌نژاد ۱۳۸۰: ۱۹۸). تفکر انتقادی لازمه جامعه کنونی است تاجایی که پُل لازمه زندگی کردن را داشتن تفکر انتقادی می‌داند تا فرد برای رقابت و چالش‌های دنیای به‌سرعت متغیر کنونی خود را آماده سازد (Paul 2008: 56). این نوع تفکر با فرامین مقدس الهی سازگار است تاجایی که خداوند تبارک و تعالی در جای‌جای قرآن کریم به تفکر و تدبر در امور می‌پردازد. برجستر اسر در سال ۱۸۸۶ میلادی در آلمان متولد شد و توانست در ۱۹۱۱ م با رساله *استعمال حروف النفی فی القرآن الکریم* از دانشگاه لیبزج به درجه دکتری نائل شود. برجستر اسر برای تحقیق در لهجه‌های مختلف به سیر و سفر پرداخت و به کشورهایمانند سوریه و آستانه مسافرت کرد و به بحث در این زمینه پرداخت و در ۱۹۲۶ م به سمت رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه مونیخ منصوب شد و به تحقیق، بررسی، و نوشتن کتاب و مقالات متعدد در زمینه نقد ادبی و فقه اللغة پرداخت (برجستر اسر ۱۹۹۴: ۳).

رمضان عبدالنواب در ۱۳۴۸ ق در مصر به دنیا آمد و تعلیم در مدرسه ابتدایی را از همان‌جا آغاز کرد. نبوغ سرشار او این فرصت را برای او فراهم کرد تا به حفظ قرآن روی آورد و با حفظ این کتاب آسمانی وارد مدرسه دینی شد و سپس، به دانشکده دارالعلوم وارد شد و تعلیمات آکادمیکی خود را از آن‌جا آغاز کرد. به آلمان سفر کرد و توانست در دانشگاه مونیخ در رشته زبان‌های سامی به درجه دکتری نائل شود و سپس، به سمت استاد در دانشگاه عین‌الشمس رسید. از او کتاب‌ها، مقالات، و ترجمه‌های بسیاری در دست است که برای ره‌پویان این علم بسیار ارزنده و مفید است (رمضان عبدالنواب).

کتاب *التطور النحوی للغة العربیة* از برجستر اسر و تحقیق و ترجمه رمضان عبدالنواب کوششی است برای تبیین مسائل تاریخی و زبان‌شناسی نحو عربی که مؤلف آن را ترسیم کرده است. از مؤلف تألیف دیگری با عنوان *اصول نقد النصوص و نشر الکتب* است که با همکاری محمد حمدی البکری آن را نوشته است. هم‌چنین، از مترجم و محقق تألیفات متعددی است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم: *فصول فی فقه العربیة*، *مناهج تحقیق التراث بین القدمی و المحدثین*، *ضرورة الشعر*، *التطور اللغوی*، *علمه و قوانینه*، *أبنیة الفعل فی اللغات السامیة*، و *البلاغة فی الفرق بین المدکر و المؤنث*. هم‌چنین، عبدالنواب کتاب *فقه اللغات*

السامیة از کارل بروکلیمان را نیز ترجمه کرده است. او هم‌چنین محقق کتاب الخطب و المواعظ از ابو عبید القاسم بن سلام نیز است (رمضان عبدالنواب).

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجایی که زبان ابزار انتقال داده‌هاست و مفاهیم در ذهن نویسنده به شکل‌های گوناگونی می‌تواند ارائه شود و هر شکل و صورتی می‌تواند معانی خاص خود را داشته باشد که در القای آن به مخاطب بسیار و مهم و ارزش‌مند است، بنابراین، ضروری است که شیوه‌های بیان را شناسایی کنیم تا به خوانشی صحیح از جنبه‌های تفکر و نوآوری و زیبایی آن دست یابیم. از این رو، شایسته است به منظور شناسایی منابع ارزش‌مند و درخور در این زمینه اقدامات جدی صورت گیرد و ما در این پژوهش برآنیم تا کتاب التطور النحوی للغة العربیة ترجمه و تحقیق رمضان عبدالنواب را مورد پژوهش و بررسی قرار دهیم. شایان ذکر است که نویسنده روشی نو در تبیین مسائل دارد و آن بررسی نحو عربی از منظر تاریخی و زبان‌شناسی است. این کتاب از انتشارات مکتبه الخانجی است و چاپ دوم کتاب در ۱۹۹۴ م در قاهره به‌زیور طبع آراسته گردیده است و در اختیار خوانندگان قرار دارد. شایان ذکر است که محمد عبدالله جبر در زمینه سبک‌شناسی و نحو کتابی با نام الأسلوب والنحو دارد که با روشی متفاوت از کتاب التطور النحوی للغة العربیة مورد پژوهش واقع شده است. عبدالله جبر به تحلیل سبک‌شناسی آماری منصوبات نحوی از جمله حال، تمییز، مفعول مطلق، مفعول له، و ... در قرآن کریم و هم‌چنین، در نوشته‌های ادیبانی هم‌چون عبدالحمید الکاتب، ابن‌المقفع، المنفلوطی، ابن‌العمید، القاضی الفاضل، و ... پرداخته است.

۳. پرسش‌های اساسی و روش پژوهش

از آنجایی که نویسنده کتاب می‌کوشد با ارائه روش و متد خاصی مطالب نحوی را از دو منظر تاریخی و زبان‌شناسی بیان کند و به مخاطب منتقل کند پرسش‌های اساسی این پژوهش این است که نویسنده تا چه اندازه توانسته است یک روش منطقی و هدف‌مند را در سیر دگرگونی و تکامل نحو عربی از دو منظر تاریخی و زبان‌شناسی به مخاطب منتقل کند؟ برای پاسخ به این پرسش با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی کتاب و تجزیه و تحلیل داده‌ها فرض این است که نویسنده در گامی اساسی و نو توانسته راه درستی را در ارائه مطالب پیدا کند.

۴. پیشینه پژوهش

در زمینه تحلیل انتقادی مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری به‌رشته تحریر درآمده است که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نقد مقاله «روایت زنانه از جنگ: تحلیل انتقادی کتاب خاطرات د/»، تألیف محمدرضا جوادی یگانه و سیدمحمدعلی صفحی که محمد غفاری در مجله نقد ادبی (علمی - پژوهشی) دانشگاه تربیت مدرس در شماره ۲۴ آن را به‌چاپ رسانده است.
۲. مقاله «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان سگ و زمستان بلند»، تألیف شهرنوش پارسی‌پور که مرضیه بهبهانی و دیگران این مقاله را در مجله مطالعات داستانی (علمی - پژوهشی) دانشگاه پیام‌نور در شماره ۴ در سال ۱۳۹۲ به‌چاپ رسانده‌اند.
۳. پایان‌نامه تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای گفتمان خبرهای روزنامه‌های غربی و روزنامه‌های انگلیسی چاپ ایران نوشته صدیقه انصاری بارد که در دانشگاه کاشان از آن دفاع شده است.
۴. پایان‌نامه زبان و ایدئولوژی: تحلیل گفتمان رسانه‌های غربی در بازنمایی اسلام که محمد احمدنژاد در دانشگاه تربیت معلم سبزوار از آن دفاع کرده است.
۵. پایان‌نامه ساختار قدرت در رمان سور بز اثر ماریو بارگاس یوسا: تحلیل انتقادی کلام نوشته احترام طبسی که در دانشگاه تربیت معلم سبزوار از آن دفاع شده است.

۵. تحلیل کمی کتاب

کتاب التطور النحوی للغة العربیة از سلسله انتشارات مکتبه الخانجی است که چاپ دوم کتاب در ۱۹۹۴ م در قاهره به‌زیور طبع آراسته گردیده است.

۱.۵ گزارش اجمالی محتوای کمی: عناوین اصلی و فرعی

این کتاب شامل دو مقدمه (مقدمه مؤلف و مقدمه محقق و مترجم) است و در چهار باب تنظیم شده است. باب اول درباره آواشناسی زبان، باب دوم درباره بناء، باب سوم درباره ترکیبات، و باب چهارم درباره مفردات است.

باب اول: نویسنده در این باب دو عنوان اصلی صامت‌ها و حرکات را مورد بررسی قرار می‌دهد.

باب دوم: این باب شامل سه بخش است که نویسنده آن‌ها را با عناوین ضمائر، افعال، و اسماء مورد تحلیل قرار می‌دهد.

باب سوم: این باب شامل پنج بخش است:

- بخش اول: نویسنده در این بخش به شبه‌جمله می‌پردازد و از ارکان جمله (مسند و مسندالیه) سخن به میان می‌آورد.
- بخش دوم: در این بخش جمله بسیط مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- بخش سوم: این بخش شامل ترکیب کلمات در داخل جمله می‌شود و نویسنده در این قسم به توابع اسم، فعل، و اسم‌های مشتق از فعل مانند مصدر و اسم فاعل اشاره می‌کند.
- بخش چهارم: نویسنده در این بخش انواع جمله‌های استفهام، نفی، و استثنا را مورد بررسی قرار می‌دهد.
- بخش پنجم: نویسنده ضمن توضیح ترکیب جملات شش مبحث را در این بخش شرح و بسط می‌دهد: جمله وصفیه، جای‌گزین شدن جمله به جای اسم موصوف، جای‌گزین شدن مضمون جمله به جای اسم موصوف، جمله حالیه، جمله ظرفیه، و جمله شرطیه.

باب چهارم: نویسنده در این باب به تلاش دانشمندان مشرق‌زمین در کشف مجهولات زبان عربی پرداخته است که در دو قسم خلاصه می‌شود:

۱. جمع، وصف، و تدوین آن؛
۲. تحلیل، تعلیل، و تألیف آن.

۲.۵ شکل ظاهری اثر

۱.۲.۵ حروف‌نگاری

قلم‌نگارش کتاب در این فایل روشن نیست تا بیان گردد. قلم کتاب برای خواندن آن مناسب به نظر نمی‌رسد، حتی در بعضی از موارد مطالب غیرخوانا هستند یا به‌سختی خوانده می‌شوند؛ مانند صفحه ۲۱ و پانوشته صفحه ۳۷. البته باید ذکر کرد که این فونت برای خواننده بسیار مشکل‌ساز است، به‌ویژه در پانوشته‌ها که حروف از هم جدا شده است؛ مانند پانوشته صفحه ۳۷. عنوان‌های اصلی و فرعی با قلم درشت‌تر و بولد نوشته شده‌اند و پانوشته‌ها نیز با قلم ریزتر نگاشته شده‌اند. خطوط این کتاب از ۱۷ تا ۲۳ خط در نوسان است.

۲.۲.۵ صفحه‌آرایی

ذکر این نکته ضروری است که نویسنده اصول فنی و استاندارد صفحه‌آرایی کتاب را جز در حاشیه‌ها اصلاً رعایت نکرده است. تورفتگی حاشیه‌های بالا، پایین، چپ، و راست رعایت شده است، اما اصول فنی تورفتگی‌های پاراگراف‌ها رعایت نشده است. پاراگراف اول در هر مبحثی در زیر عنوان اصلی به‌هیچ‌وجه نیازی به تورفتگی ندارد و این عمل از پاراگراف‌های بعدی همان بحث شروع می‌شود. در سرصفحه‌ها در صفحات زوج نام کتاب و در صفحات فرد عنوان نام هر فصل نوشته می‌شود و شماره صفحه هم که معمولاً در پایان صفحات در قسمت وسط قرار می‌گیرد، رعایت نشده است. از این نظر، این کتاب عیب و نقصان زیادی دارد.

۳.۲.۵ طرح جلد

البته طرح رنگ روی جلد کتاب مشخص نیست تا در این زمینه نظر داده شود. فقط طرح نوشتاری عنوان کتاب، نویسنده، مصحح یا محقق آن، و انتشارات آن بر روی جلد آورده شده است. مشخص است که این موارد به‌شکل مرتب و زیبا به‌کار نرفته است و فونتی که برای این کار انتخاب شده جالب و موردپسند به‌نظر نمی‌رسد. جلد کتاب مانند دروازه شهر است که باید شکیل، زیبا، و مرتب باشد و در صفحه بعد نوبت چاپ کتاب و سال و شماره ابداع آن آورده شده است. البته آنچه در این مورد پیش‌نهاد می‌شود این است که عنوان کتاب و نویسنده و محقق بر روی جلد کتاب نوشته شود و در قسمت انتهای جلد کتاب نام انتشارات آورده شود و در صفحه بعد در کادری جداگانه شناس‌نامه کامل کتاب آورده شود.

۴.۲.۵ قواعد عمومی ویرایش و نگارش

آنچه از نظر شکلی و نگارشی در این کتاب موردتحمین است استعمال همزه وصل و قطع است که نویسنده این قواعد را به بهترین شکل رعایت کرده است. اما قواعد عمومی ویرایش اصلاً رعایت نشده است و به‌شکل صحیح به‌کار نرفته است و کتاب یادشده از این نظر عیب و نقص بسیار بزرگی دارد. گاهی تکرار کلمات به‌چشم می‌خورد، مانند جمله «أَنَّ الْحَاءَ الْأَرَامِيَّةَ تَتَوَبُّ عَنْهَا الْخَاءُ فِي بَعْضِ بَعْضِ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ» (اسر ۱۹۹۴: ۲۲۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کلمه «بعض» دو مرتبه به‌کار رفته است که یکی از آن‌ها باید حذف شود. از دیگر عیوب نگارشی این کتاب می‌توان به نقطه‌گذاری نکردن در زیر یاء‌ها در آخر کلمه اشاره کرد، مثلاً نویسنده کلمه «الثانی» یا حرف «فی» (همان) را به این شکل

نوشته است که صحیح نیست و صورت درست آن‌ها بدین شکل است: «الثانی و فی» با قرار گرفتن نقطه در زیر یاء. همچنین، فاصله‌نداشتن بین کلمات نیز به چشم می‌خورد مانند «ماعربوا» (همان: ۲۲۲). علاوه بر آن، نوعی تکرار ضمیر وجود دارد که نیازی به ذکر آن نیست، مانند: «فالمناق هو المقسم القلب قبل ایمان فظاهره یخالف باطنه» که در این جا می‌توان به جای «باطنه» شکل «الباطن» به کار برد که از نظر معنایی هم مشکلی پیش نمی‌آید و از تکرار ضمیر نیز خودداری می‌شود. گاهی شیوه کاربرد درست زبان عربی رعایت نشده است، مانند: «و نحن نقتصر هنا علی المؤلف الکثیر الوجود و ...» (همان: ۸۳) که آوردن ضمیر نحن اضافی است، زیرا جمله نیازی به تأکید ندارد و این ضمیر از آوردن فعل آن مشخص و هویدا است.

۶. تحلیل محتوای کتاب

۱.۶ برتری‌های کتاب

۱.۱.۶ معادل‌سازی واژه‌های تخصصی

یکی از ویژگی‌های برتر این کتاب کاربرد معادل‌های تخصصی در متن کتاب است. نویسنده در این کتاب در کنار زبان عربی، زبان‌های سامی دیگر از جمله آرامی، اکدی، حبشی، و عبری را نیز مورد بررسی قرار داده است. هرگاه بخواهد معادل زبان عربی در دیگر زبان‌های سامی بیاورد چنان با ظرافت از واژه تخصصی همراه با علامت و نشانه در تلفظ استفاده می‌کند که امر خواندن آن برای مخاطب آسان می‌گردد. مثلاً، کلمه «الزیت» در زبان عربی معادل آن در زبان آرامی (zayta) و در عبری معادل آن (zayit) است (همان: ۲۲۷). نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند معادل واژه‌های تخصصی را به بهترین شکل به کار گیرد و به نظر می‌رسد در این امر موفق بوده است.

۲.۱.۶ روش منظم و منطقی در ارائه مباحث

یکی دیگر از شاخصه‌های مثبت این کتاب روش صحیح مؤلف در تحلیل مباحث کتاب است. نویسنده در تحلیل، شرح، و توضیح مباحث تاجایی که نیاز داشته باشد شرح و بسط می‌دهد و از زیاده‌گویی‌ها تا حدودی پرهیز می‌کند و مثال‌های متعددی که در کتاب آورده می‌شود برای تمکین یافتن هرچه بهتر معنی در ذهن مخاطب است که جای تحسین دارد. البته، نقدی که در این قسمت بر نویسنده وارد است این که مؤلف عنوانی را در کتاب ذکر

کرده که درباره آن مطلبی نیاورده است. بحث «النغمة» را با عنوان «الضغط و النغمة» آورده و در مورد «الضغط» شرح و بسط کامل داده است، اما بحث «النغمة» را بدون توضیح رها کرده و بیان کرده است که ما در مورد آن چیزی نمی‌دانیم. نویسنده اگر در مورد این عنوان مطلبی نداشت، نباید آن را در عنوان ذکر می‌کرد، بلکه در عنوان «الضغط» به این نکته اشاره می‌کرد و آن را کاملاً از متن اصلی جدا می‌کرد؛ البته، نمی‌توان از ارزش کار نویسنده در این قسمت کاست.

۳.۱.۶ گویابودن فهرست عناوین

کارکرد فهرست یک کتاب همان راه‌نمایی خواننده در دستیابی هرچه سریع‌تر به عنوان‌های اصلی و فرعی در متن کتاب است تا خواننده دچار آشفتگی و سرگردانی نشود. فهرست کتاب حاضر از نظر مباحث کلی و جزئی (اصلی و فرعی) گویای محتوای کتاب است و نویسنده در فهرست‌بندی اهتمام شایانی در این زمینه ورزیده است. فهرست این کتاب شامل چهار باب است و هر یک از باب‌ها را با عنوان مبحث اصلی ذکر کرده است و موضوعات فرعی هر باب را در ذیل آن باب آورده است و خواننده برای دستیابی به موضوعات دچار تشویش و نگرانی خاطر نمی‌شود و نویسنده دسترسی آسان به مطالب را برای او فراهم آورده است و این موضوع یکی از مزیت‌های این کتاب است که شایسته است به آن اشاره شود.

۴.۱.۶ بی‌طرفی علمی در تحلیل مطالب

نویسنده می‌کوشد در آوردن نظرات و آرا کاملاً بی‌طرف باشد و به‌شکل علمی مطالب را موردبررسی و تحقیق و نقد قرار دهد. این موضوع به‌ویژه در باب چهارم بسیار پررنگ می‌شود. نویسنده در این باب از واژگانی که از زبان‌های مختلف وارد زبان عربی شده‌اند سخن می‌گوید و به‌طور مفصل این لغات را شناسایی و ارزیابی می‌کند و بیان می‌دارد که اصل این لغات متعلق به کدام زبان است و از چه طریقی وارد زبان عربی شده است؛ مثلاً، نویسنده از واژگانی سخن می‌گوید که در زبان اکدی وجود دارد و سپس وارد زبان آرامی شده‌اند و بعد به زبان عربی وارد شده‌اند و همه این سلسله‌مراتب را ذکر می‌کند (همان: ۲۲۷-۲۲۸). یا از کلمات لاتینی که در زبان یونانی وجود دارد و بعد وارد زبان آرامی شده‌اند و سپس به زبان عربی سرایت کرده‌اند (همان: ۲۲۸). نویسنده چنان این موارد را مشخص می‌کند که سرچشمه واژگان و شکل ورود آن به زبان عربی کاملاً مشخص و

هویدا می‌شود و این کار را بدون هیچ‌گونه تعصب و طرف‌داری انجام می‌دهد و در تمامی این موارد تلاش می‌کند بی‌طرفی خود را نشان دهد.

۵.۱.۶ تطبیق نحوی بین زبان‌ها

نویسنده در این قسم به تطبیق قضایای نحوی بین زبان‌های مختلف می‌پردازد و با ذکر مثالی درصدد توضیح آن‌ها برمی‌آید. مثلاً، مؤلف بیان می‌دارد که ادات تعریف در زبان اکدی و حبشی وجود ندارد و مخصوص سه زبان از زبان‌های سامی (عبری، آرامی، و عربی) است (همان: ۱۴۳-۱۴۷). هم‌چنین، نویسنده بیان می‌دارد که بدل، تأکید، وصف، و تمییز در بین زبان‌های سامی مخصوص زبان عربی است و به‌ندرت در دیگر زبان‌های سامی یافت می‌گردد (همان: ۱۴۷-۱۵۰). نویسنده در بحثی دیگر اضافه را شرح می‌دهد و از (کل) که از ادات دائم‌الإضافة است صحبت می‌کند که سامی‌الاصول است و مقابل عبری آن (koldabar) است و حرف اضافه «بعض» را مطرح می‌کند که ترکیب آن در زبان عربی متنوع است و در دیگر زبان‌های سامی نظیری ندارد (همان: ۱۵۳).

نویسنده می‌گوید که اصل استثنا مرکب است و بیان می‌دارد که «إلا» مرکب از «إن» و «لا»ی نفی است و تقابل «إلا» در زبان آرامی (elle) است. هم‌چنین، مؤلف بیان می‌کند که سریانی‌ها بین (elle) و (en) جمع می‌کنند، مانند: «la merkah na la mhaymanu / یعنی من توانایی ایمان‌آوردن را ندارم، مگر این‌که قناعت پیشه کنم» (همان: ۱۷۵-۱۷۶).

نویسنده از اسم فاعل و مصدر سخن می‌راند و برای هر یک مثال‌هایی در رفع و نصب می‌آورد، رفع فاعل مانند: «منع الناس من مخاطبته أحدٌ بسیدنا» و نصب مفعول به مانند: «إطعامٌ فی ذی مسغبة یتیمًا» و بیان می‌دارد که این نمونه‌ها در بعضی از زبان‌های سامی وجود دارد و مثال زبان عبری در نصب مفعول مصدر: «Ihamitet dawid» یعنی یقتل داود است (همان: ۱۵۴-۱۵۵).

۶.۱.۶ ذکر تلاش‌های دیگر محققان در این حوزه (مؤلف)

نویسنده در مقدمه کتاب تلاش‌هایی را که دیگر نویسندگان در این عرصه داشتند بیان کرده است که از مزیت‌های این کتاب است. البته، نویسنده کتاب مدعی است که دیگر نویسندگان به‌طور ویژه درباره تاریخ زبان عربی بحث نکرده‌اند و زبان‌های سامی را مورد تحقیق قرار داده‌اند. مؤلف به‌طور اجمالی از تألیفات دیگر نویسندگان مطالبی را بیان می‌کند که به‌عنوان پیشینه پژوهش واقع می‌شود.

۲.۶ کاستی‌های کتاب

۱.۲.۶ فقدان هماهنگی بین باب‌ها

یکی از مواردی که در روش تحقیق از نظر شکلی و ظاهری باید مورد توجه قرار گیرد، تطابق بین فصول در یک کار پژوهشی است. این کتاب از این نظر خلل اساسی دارد. نویسنده در فصل‌بندی این کتاب به این مقوله توجه و عنایت خاصی مبذول نداشته است.

۲.۲.۶ اهتمام‌نداشتن به ذکر منابع

البته ذکر این نکته ضروری است که کتاب مرجع (اصلی) که مترجم آن را ترجمه کرده است در دسترس نیست تا بتوان این موضوع را مورد بحث قرار داد، اما مشخص است که مترجم اصلاً به منبع یا مأخذی در این کتاب اشاره نکرده است و این می‌تواند عیب و نقصی بسیار جدی و مهم در این کتاب باشد، همان‌طور که در پایان کتاب فهرست منابع و مأخذ به چشم نمی‌خورد و جز با دیدن اصل کتاب نمی‌توان در این مورد نظر یا رأی داد که ممکن است خلاف آن ثابت شود و خداوند تبارک و تعالی بر همه چیز آگاه است.

۳.۲.۶ ذکر نکردن تلاش‌های دیگر محققان در این حوزه (محقق و مترجم)

محقق و مترجم در مقدمه کتاب به عنوان پیشینه بحث فقط به یک منبع بسنده کرده است و به دیگر کتاب‌هایی که در این زمینه به‌رشته تحریر درآمده اشاره نکرده است. چاپ دوم کتاب در ۱۹۹۴ م بوده است و تا این سال کتاب‌های متعددی در این زمینه به چاپ رسیده است و مترجم می‌بایست در مقدمه کتاب به آن‌ها اشاره می‌کرد. از جمله کتاب‌هایی که در این زمینه چاپ شده است می‌توان به کتاب *المنهج الصوتی للبنیة العربیة* اشاره کرد که عبدالصبور شاهین در ۱۹۸۰ م آن را چاپ کرده است. نویسنده در این کتاب به مشکل نحو از منظر صوت (شاهین ۱۹۸۰: ۵)، اصوات و رموز آن (همان: ۲۶-۳۷)، ابدال (همان: ۱۶۷)، قاعده همزه و واو (همان: ۱۷۶)، ادغام (همان: ۲۰۵)، و برخی از دیگر مباحث کتاب *التطور النحوی* اشاره کرده است. از دیگر کتاب‌هایی که در زمینه فقه اللغة به چاپ رسیده است می‌توان به کتاب *فقه اللغة و خصائص العربیة* از محمد المبارک در ۱۹۸۱ م اشاره کرد؛ چراکه فصل چهارم کتاب *التطور النحوی* کاملاً درباره فقه اللغة صحبت می‌کند. هم‌چنین، می‌توان به کتاب *دروس فی علم الأصوات العربیة* اشاره کرد که صالح قرمان آن را در ۱۹۶۶ م ترجمه کرده است و کتاب‌های دیگری که در زمینه زبان‌شناسی و اصوات و فقه اللغة پیش از

۱۹۹۴ م به چاپ رسیده است که مجال ذکر همه آنها نیست و نویسنده، محقق، و مترجم فقط به ذکر یک منبع بسنده کرده‌اند که کار آنها از این منظر ضعیف به نظر می‌رسد.

۷. محتوای کتاب و سرفصل درسی

البته در ابتدای امر لازم است به این نکته اشاره شود که محتوای این کتاب را نمی‌توان به شکل جامع برای هر درسی در دوره دکتری پیش‌نهاد کرد، اما نویسنده محترم به مبحث آواشناسی، صرف، نحو، و فقه اللغة در این کتاب اشاره کرده است و البته نه به شکل کامل که نیازمند توضیحات و مطالبی مهم و اساسی دیگر در این زمینه است. باب چهارم این کتاب می‌تواند در تدریس درس فقه اللغة در مقطع کارشناسی کمک بسیاری به دانشجویان این رشته کند که البته پیش‌نهاد می‌شود این باب حتماً در این ماده درسی گنجانده شود. به طور کلی، می‌توان این کتاب را برای درس «تحقیق در مباحث صرفی و نحوی» که در مقطع دکتری در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود پیش‌نهاد کرد.

۸. سازگاری کتاب با مبانی فرهنگ دینی

از آنجایی که این اثر رویکردی برای تطور و پیشرفت نحو عربی است، می‌توان ادعا کرد که سازگاری خوبی با رویکرد دینی و ارزش‌های اسلامی دارد. نویسنده در سه باب اول کتاب به شکل مستقیم به ارائه روشی منظم در چگونگی شکل صحیح خواندن مفاهیم دینی می‌پردازد، در باب اول بحث اصوات و حرکات را مورد بررسی قرار می‌دهد که در شکل صحیح این مفاهیم کاملاً مؤثر و کارساز است. در باب دوم ضمائر و افعال و اسم فعل‌ها را بررسی می‌کند که در فهم مفاهیم دینی بسیار مهم است. هم‌چنین، مبحث مسند و مسندالبه، تابع، جملات وصفی، حالیه، شرطی، ظرفی، و انواع جملات استثناء نفی و استفهام. هم‌چنین، نویسنده شاهد‌های قرآنی می‌آورد که در اشاعه فرهنگ قرآنی بسیار مهم است. هم‌چنین، در باب چهارم که درباره کلمات وارد شده به زبان عربی بحث می‌کند از کلماتی استفاده می‌کند که با فرامین مقدس اسلامی کاملاً منطبق است. هم‌چنین، به منظور ارائه یک نظریه ریشه‌دار در زمینه زبان‌شناسی زبان عربی یکی دیگر از مهم‌ترین ارزش‌های دینی و اسلامی در دنیای امروز است که بیان‌گر یک تجربه قابل توجه برای ایجاد رویکرد اسلامی به مبانی نظری و عملی دانش زبان‌شناسی است که امروزه در رشته‌های زبان و ادبیات عربی و فارسی اهتمام بسیار زیادی به آن می‌شود. هم‌چنین، بیان نظرات، اندیشه‌ها، تحلیل، و نقد

آن‌ها نیز یکی دیگر از مواردی است که نشان از مهم‌ترین ارزش دینی یعنی اهتمام به اندیشه‌ها و نقد آن‌ها دارد.

۹. نتیجه‌گیری

در تحلیل کتاب *التطور النحوی للغة العربیة* از جنبه کمی و کیفی نتایج به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۱. نویسنده در این کتاب دو هدف را دنبال می‌کند: الف) بررسی زبان عربی از منظر تاریخی، یعنی از نظر شکل‌گیری و پیدایش، تکوین، حروف اصلی، انواع جمله، بناء، و تغییرات ایجادشده در آن در طول زمان، ب) بررسی تشکیلاتی و ساختاری زبان که در حوزه زبان‌شناسی واقع می‌شود.

۲. کتاب *التطور النحوی للغة العربیة* توانسته است روشی قابل قبول برای تحلیل مباحث نحوی و زبان‌شناسی را در اختیار مخاطب قرار دهد. به‌ویژه در باب چهارم مباحث فقه اللغة را به بهترین شکل آورده است که خواننده بعد از خواندن مطلب می‌تواند واژگانی را که از زبان‌هایی دیگر وارد زبان عربی شدند شناسایی کند و آن را حل و فصل کند.

۳. این کتاب از نظر ویرایشی بسیار ضعیف و سست به نظر می‌رسد.

۴. ساخت واژه‌های معادل عربی در دیگر زبان‌های سامی از ابتکارات و نوآوری‌های نویسنده در این زمینه به‌شمار می‌آید که می‌توان آن را از ویژگی‌های برتر این کتاب دانست.

۵. اگرچه برتری‌های این کتاب قابل تقدیر است، ایراداتی نیز بر آن وارد است، از جمله نبود هماهنگی بین باب‌ها، نبود فهرست منابع، اماکن، اشخاص، و فهرست آیات قرآنی و هم‌چنین، رعایت نکردن اصول مقدمه‌نویسی به‌ویژه در مقدمه مترجم و محقق.

۶. سازگاری کتاب با مضامین مقدس فرهنگ اسلامی - ایرانی.

۷. می‌توان این کتاب را به‌عنوان منبعی برای درس «تحقیق در مباحث صرفی و نحوی»

در مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های ایران پیش‌نهاد کرد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

احمدنژاد، محمد (۱۳۸۷)، *زبان و ایدئولوژی: تحلیل گفتمان رسانه‌های غربی در بازنمایی اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم سبزوار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

تحلیل انتقادی کتاب *التطور النحوی للغة العربیة* ۵۷

اسر، برجستر (۱۹۹۴)، *التطور النحوی للغة العربیة*، تحقیق و ترجمه رمضان عبدالنواب، القاهرة: مکتبة الخانجی.

انصاری بارد، صدیقه (۱۳۹۲)، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای گفتمان خبرهای روزنامه‌های غربی و روزنامه‌های انگلیسی چاپ ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.

بهبهانی، مرضیه و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان سگ و زمستان بلند»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مطالعات داستانی* دانشگاه پیام نور، دوره ۶، ش ۴.

رمضان عبدالنواب: <www.wikimedia.com>.

شاهین، عبدالصبور (۱۹۸۰)، *المنهج الصوتی للبنیة العربیة (رؤیة جدیدة فی الصرف العربی)*، بیروت: مؤسسه الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع.

طیسی، احترام (۱۳۹۱)، *ساختار قدرت در رمان سور بز اثر ماریو یارگاس بوسا: تحلیل انتقادی کلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم سبزوار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

غفاری، محمد (۱۳۹۲)، «روایت زنانه از جنگ: تحلیل انتقادی کتاب *خاطرات دا*»، فصل‌نامه علمی پژوهشی *نقد ادبی*، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۶، ش ۲۴.

هاشمیان‌نژاد، فریده (۱۳۸۰)، *ارائه چهارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی*، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

Paul, W. Richard and Linda Elder (2008), *The Miniature Guide to Critical Thinking Concepts and Tools*, Dillon Beach: Foundation for Critical Thinking Press.